

به مناسبت "روز جهانی نفی خشونت علیه زنان" برابر با چهارم آذر ماه (بیست و پنجم نوامبر)

خشونت علیه زنان و حکومت اسلامی



خشونت علیه زنان در جهان هنوز یکی از مسائل مبتلابه جهانی است. اما در این میان کشور ما میدان یکی از بی سابقه ترین خشونت ها علیه زنان در تاریخ معاصر جهان است. ابعاد این خشونت که بر بی حقوقی مطلق زنان و با استناد به آیات آسمانی صورت می گیرد، اخیراً در صدور فتوا علیه پیوستن ایران به کنوانسیون رفع تبعیض از زنان خود را هر چه نمایان تر ساخت. آیت الله های ریز و درشت که فتوای تحریم پیوستن ایران به کنوانسیون بین المللی "رفع تبعیض از زنان" را صادر می کردند، عمق تاریک اندیشی حکومت اسلامی و خشونت بهیمی در سیاست این حکومت علیه زنان را به نمایش گذاشتند.

در عرف بین المللی پذیرش پیمان های بین المللی به مفهوم اجرای آن ها در عمل است. جمهوری اسلامی حتی با وجود پذیرفتن برخی میثاق های بین المللی هیچ گاه خود را ملزم به اجرای آن ها ندانسته است. و به هر دلیلی از زیر بار تعهدش شانه خالی کرده است. اما در مورد رفع تبعیض از زنان حتی از این نوع پذیرش هم تاکنون طفره رفته است. قبول رفع تبعیض علیه زنان حتی در حرف هم برای این حکومت عبور از خطوط قرمز محسوب می شود و این را از ترس و وحشت آیت الله های ریز و درشت آن از پذیرش این کنوانسیون می توان خواند. پذیرش حق، مسئولیت می آورد و جمهوری اسلامی از آن جا که هیچ حقی برای اقشار گوناگون اجتماعی قائل نیست، آیت الله های آن در مقابل هرگونه پذیرشی ایستاده اند. پدیده غریبی نیست! نیازی به بررسی های عمیق جامعه شناسانه نیست. اگر به نمونه هایی از اظهار نظر حضرات اجتماعی دقت شود، عمق ترس و تحجر تفکر آنان روشن می گردد.

ناصر مکارم شیرازی: "مراکز بین المللی، ایران را تحت فشار قرار داده اند تا این کنوانسیون را بپذیرد... پس از قبول این کنوانسیون نه تنها دولت ها موظف به عمل به این معاهده ها هستند بلکه مراکز خصوصی و حوزه های علمیه هم باید این معاهده را بپذیرند. می خواهند ما را به سوی حکومت سکولار غیرمذهبی بکشاند و یکی از پایه هایی که می تواند مسائل مذهبی را تضعیف کند اجرای این معاهده است. یکی از طرق دین زدایی، کنوانسیون رفع تبعیض از زنان است و چقدر بعضی ها خوش باور و ساده اندیش هستند که می گویند این کنوانسیون را می پذیریم ولی زیر بار موارد خلاف شرع آن نمی رویم. در حالی که در کنوانسیون تصریح شده است تمام شرایطی که بر ضد محتوای کنوانسیون باشد باطل است..."

نوری همدانی: "شما به جای پرداختن به مسائل مهم مملکتی و

فکر برای ایجاد کار و رفع گرانی و تورم به مسائل فرعی، سیاسی پرداخته اید... پیوستن به برخی کنوانسیون ها هم چون کنوانسیون حقوق زن، خلاف اسلام است."

مشکینی: "تشکیل کنوانسیون برابری حقوق زنان و مردان یکی از توطئه های دشمنان است که قصد دارند با دسیسه های مختلف اسلام را از این مردم بگیرند."

آیت الله صافی: "ماده دوم این کنوانسیون که از مواد اصلی و اساسی آن است، متضمن محکوم کردن بخش مهمی از احکام الهی اسلام است که برحسب نصوص کتاب و سنت و اجماع و ضرورت بین المسلمین ثابت و حاکم است. امضا و تصویب این کنوانسیون هویت اسلامی امضا کننده و تصویب کننده آن را از هر هیأت یا مجلس باشد، مخدوش و زیر سؤال می برد. در نظام جمهوری اسلامی... الحاق به این کنوانسیون مورد قبول و تصویب هیأت دولت و مجلس شورای اسلامی واقع نخواهد شد."

در جمهوری اسلامی این فقط آیت الله ها نیستند که مخالف رفع تبعیض از زنان هستند و علیه هر گونه اقدامی که شائبه تخفیف نقض خشن حقوق زنان راه داشته باشد، ایستاده اند. برخی از نمایندگان زن در این حکومت دست کمی از آیت الله ها ندارند. مثل چند نمونه زیر:

منیره نوبخت رئیس شورای فرهنگی و اجتماعی زنان در شورای عالی انقلاب فرهنگی: "مبنای مفاد کنوانسیون زنان با مبانی اسلام درباره مفاد کنوانسیون زنان مغایر است. برای نمونه آزادی های جنسی و آزادی سقط جنین..."

زهرا آیت اللهی: "کنوانسیون با آیات متعددی از قرآن منافات دارد. یعنی با [نص] صریح قرآن، آیات ۱۷۸، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰ تا ۲۳۵، ۲۳۷ و ۲۸۲ سوره بقره منافات دارد. همچنین در بند یک کنوانسیون صریحاً عنوان می کند که ما به دنبال این هستیم که هیچ نوع تمایزی بین زن و مرد در هیچ حیطة ای چه زندگی فردی، خصوصی و اجتماعی و خانوادگی وجود نداشته باشد و این با آیات قرآن منافات دارد، همچنین آیات ۳، ۱۱، ۱۲، ۲۴، ۳۴ و ۱۷۶ سوره نساء آیه ۳۱ سوره نور و ۵۹، سوره احزاب ۳۰۴ مجادله، ۱۰ ممتحنه، ۴ تا ۶ طلاق هم با مفاد این کنوانسیون در تعارض است." و روزنامه هائی که تحت عنوان "دفاع از بنیان خانواده" رفع تبعیض از زنان را مورد اشکال می دانند.

روزنامه رسالت: "مراجع عظام تقلید طی استفتایی که از آنها شده بود صریحاً الحاق ایران به کنوانسیون را خلاف شرع تشخیص دادند، "مگر کنوانسیون وحی منزل است؟ غربی ها اسم این معاهده را گذاشته اند" "محو کلیه اشکال تبعیض زنان" در حالی که ۷۰ مورد اشکال به این معاهده وارد است که... بنیان خانواده را متلاشی می کند."

از این نمونه ها در کانون سیاه حکومت اسلامی زیاد است! بیهوده نیست که زن ستیزی از ارکان اصلی حکومت الهی است. محرومیت زنان از حقوق برابر با مردان و اجبار آن ها به پوشیدن مانتو و روسری و چادر سیاه و از همه مهم تر محرومیت آن ها از حقوق اجتماعی و تبدیل رسمی شان به انسان هائی درجه ۲ و برده مرد، بزرگ ترین و بی سابقه ترین خشونت علیه زنان در آستانه قرن بیست و یکم است.